

کتاب «حاج مالک» نوشته محمدعلی نظیری به تازگی به وسیله انتشارات راه یار منتشر و روانه بازار نشر شده است. این کتاب خاطرات شفاهی غلامرضا مالکی، از فرماندهان مهندسی لشکر علی بن ابی طالب (ع) در دفاع مقدس است.

آن‌گونه که خبرگزاری مهر نوشته است، حاج غلامرضا مالکی در بسیاری از عملیات های دفاع مقدس از جمله رمضان، محرم، بدر، خیبرو مرصاد حضور داشته

است و در عملیات خیبر به عنوان فرمانده مهندسی لشکر ۱۷ علی بن ابی‌طالب در منطقه بود و با شهید مهدی زین الدین همکاری می‌کرد. او همچنین مسئول «دفتر طرح و تحقیقات» سپاه بود تا نیازهای مهندسی جنگ را از ظرفیت های صنایع اراک تأمین کند. تویوتا شنی دار، کانال نهرکن، تله‌کابین و ... حاصل آن دوران است.

در بخشی از این کتاب چنین آمده است: «شنی باید زیر این لندکروزها بسته می شد. تسمه را دادیم بافتند. جنس تسمه سبک بود و با شنی تانک که سنگین بود تفاوت داشت. این شنی ها را بردم لرستان. آنجا شنی ها را بستیم زیر تویوتا. تویوتا در حدود دو متر برف از ارتفاع بالا می رفت. بعد شنی ها را بردیم خوزستان.

در تپه شنی های بستان ، لندکروز شنی دار را پراز نیرو کردم. ماشین راحت با سرعت سی کیلومتر در ساعت از شیب سی درجه ای عبور کرد. شنی ها را به مناطق باتلاقی و گلی هم بردم. در این مناطق هم جواب می داد.

آخرین آزمون منطقه کناره اروند بود. در اروند، موقع جزر، پنجاه شصت سانت باتلاق درست می شد و چاله های منطقه پراز آب. این چاله ها بر اثر بمباران دشمن به وجود آمده بود. شنی تویوتا آنجا هم به راحتی مانور می داد.»

ادبیات کودک و نوجوان در گفت‌وگو با سورنا جوکار

قیصر مثل یک پدر دل سوز می نوشت



ادبیات در حوزه کودک و نوجوان چالش‌های زیادی دارد و از همین رو همیشه محل بحث و گفت‌وگو است.

خبرگزاری تسنیم به تازگی مصاحبه‌ای با سورنا جوکار، شاعر کودک و نوجوان و مدیر انتشارات مهرک (بخش کودک و نوجوان انتشارات سوره مهر) داشته است درباره وضعیت نشر و کتب کودک و نوجوان و روند شکل‌گیری یک سیر مطالعاتی. او در بخشی از این مصاحبه گفته است: «بزرگ‌دم از ازل کتاب کودک و نوجوان بخوانیم. کتاب کودک و نوجوان هم درگیر این تعاریف روشنفکری و درگیر فرم نشده از یک جایی شروع می‌شود، به یک اوجی می‌رسد و در پایان هم یک نکته‌ای به شما – حالا پند اخلاقی یا یک نکته آموزشی– می‌دهد و کسی دست خالی نمی‌رود و لذتش را درک می‌کند.

وقتی که مخاطب را کودک و نوجوان بگیریم، بالاخره آدمی در سنین بزرگ سالی و جوانی تا حد زیادی شخصیتش شکل گرفته و ممکن است از چیزهای زیادی متأثر باشد، اما بچه‌ها اگر یک صفحه سفید در نظرشان بگیریم هر چیزی در روحیه‌شان تأثیر می‌گذارد، حالا اگر این کتاب کودک و نوجوان را یک آدم سلیم النفس، یک آدمی‌که ضمیر پاک‌ی دارد، نوشته باشد روی این بچه یک تأثیر دارد. اگر من به قول معروف روسپاه نوشته باشم یک تأثیر دیگری دارد، بالاخره آن آدم درونیات من را پالایش می‌کند و در خانه ذهنش راه می‌دهد.

شما نگاه کنید پدر بزرگ‌های ما که همه مکتب می‌فرقتند، گلستان و بوستان می‌خواندند، همیشه در یک مشتشان شکلاتی برای ما بود و در دیگری پند و نصیحتی داشتند. الان هر چه فکر می‌کنم ببینم که بعدها برای بچه خودم چه نصیحتی می‌توانم داشته باشم ذهنم نسبت به پدر بزرگ بی سواد خودم خیلی خالی است.

این را بی تأثیر نمی‌دانم یقیناً اگر آدمی‌که آن ذات مهربان را داشته باشد دست به نوشتن کتاب کودک و نوجوان برند تأثیر خیلی بهتری دارد. همین قیصر کسی به عنوان شاعر کودک و نوجوان او را نمی‌شناخت، اما مسیری را شروع کرد که شما وقتی کتاب هایش مثلاً «به قول پرستو» را می‌خوانید مشخص است‌که این آدم در جایگاه یک پدر انکار برای بچه خودش می‌نویسد، دلسوزانه می‌نویسد و یقیناً بی تأثیر نیست.»

زین‌قنبر

علیرضا حیدری | مدرس ویراستاری

● **ناوبراسته** ✖

با تصویب نمایندگان مجلس قرار شد تا حقوق بازنشستگان از سال آینده و در طی سه سال افزایش یابد.

● **ویراسته** ✔

با تصویب نمایندگان مجلس قرار شد حقوق بازنشستگان از سال آینده و طی سه سال افزایش یابد.

🔴 **نکته**

تادر، وقتی، حرف اضافه کلا اضافه است!

#زین-قنبر فارسی

درباره کتاب فروشی انتشارات امام که یکی از قدیمی ترین کتاب فروشی های مشهد است

قفسه‌های خاطرات یک کتاب فروشی



عکس: سعید گل - شورا را



کاوه ستایادی

یکی از راسته‌های فروش کتاب در مشهد، حدفاصل چهارراه دکترا به سمت سه راه ادبیات است که چند کتاب فروشی را در دل خود جای داده است. از آن میان، عنوان «قدیمی ترین، به انتشارات امام» با



مدیریت حاج رضا رجب زاده می‌رسد؛ یک مرد هفتاد و چندساله که صرفاً فروشنده نیست، بلکه خود اهل قلم و پژوهش است و جزو شناخته شده ترین اهالی فرهنگ کلان شهر ما. از آنجا که بنا داریم از این هفته به سراغ کتاب فروشی های شهری به عنوان یکی از عناصر هویتی مشهد برویم و درباره شان بنویسیم، معرفی مدیر انتشارات امام را شایسته دیدیم، بلکه این نخستین قدم،

زیاد بود. جلد پنجم تفسیر «پرتوی از قرآن» آیت ... طالقانی را با یک خاور آورده بودیم و می‌فروختیم.» تاریخ شفاهی فروش کتاب در مشهد، در بیان این مرد فرهیخته این‌گونه ادامه پیدا می‌کند: «سال های ۶۳ و ۶۴ فضایی بود که کتاب های ذبیح ... منصوری و امثال آن رواج پیدا کرده بود. بعد از خرداد سال ۷۶ هم اقبال به کتاب و کتاب خوانی زیاد شد. ولی این هم به مرور کم شد و الان مانده اند همان اندک کتاب خوان هایی که اغلب افراد فرهنگ هستند.» در صحبت های او دریغ و دردی دیده می‌شود که ابعادی گسترده تراز دغدغه های شخصی یکی از کسبه عرصه نشر می‌یابد، وقتی با حسرت از افزایش شمار عنوان های کتاب ها و کاهش تعداد کتاب خوان های می‌گوید، به مشکلی فراتر از غم نان اشاره می‌کند که به مرور به فرهنگ کشور آسیب جدی زده و همچنان آسیب خواهد زد!

● انتشارات امام پاتوق بزرگان فرهنگ انتشارات امام همواره پاتوق اهالی فرهنگ بوده است و نویسندگان و شاعران و مترجمان و حتی مسئولان

پیشینه ای نزدیک به نیم قرن می‌رسد. قضیه این است که حوالی انقلاب، مرتضی مصطفوی، مدیر انتشارات هجرت و از فروشنندگان کتاب های مذهبی، از خیابان خسروی نقل مکان می‌کند و به کوی دکترا می‌آید. اما مشغله های او در جریان فعالیت های انقلابی اش اجازه نمی‌دهد به کسب وکارش در این مغازه تازه برسد. بنابراین رضا رجب‌زاده، جوان بیست و هشت ساله ای که مثل خود او آرمان هایی انقلابی در سر داشت، امور کتاب فروشی چهل متری آقای مصطفوی را در دست می‌گیرد.

● تاریخ شفاهی کتاب

رجب زاده درباره حال و هوای آن روزها می‌گوید: «آن زمان هم کتاب های دکتر شریعتی را می‌آوردم و هم کتاب های آقای مطهری را. هم کتاب های بنی صدر و هم آقای دستغیب و جلال الدین فارسی را.» وی افزاید: «آن زمان حالت شیفتگی به کتاب وجود داشت. مثلاً «تماشاگه راز، شهید مطهری ۱۱۰ هزار نسخه چاپ و در عرض یکی دو ماه تمام شد. ما هم کامیونی کتاب می‌آوردیم و می‌فروختیم. سال ۵۷ عنوان کم و تیراز

ما از رسوب تاریخ سر برآورده ایم

درباره کتاب «سخن ها را بشنویم»، به بهانه بازگشت تن بی جان نویسنده اش به وطن

می‌گذارند و از آن تأثیری می‌پذیرند. در کل «همه کسانی که دل سوز این مملکت و مردم اند و خود و فرزندانشان قصد زندگی کردن در این آب و خاک را دارند، باید سخن ها را بشنوند و در چاره‌گری را باز بخواهند» و ما می‌گوییم، باید این کتاب را بخوانند. ندوشن در نیای پیچیده امروز دل مشغول چیزی به جز فناوری، پول، باران، ذخایر معدنی و... است.

او همه ملزومات زندگی امروز را کارساز می‌داند، ولی نیاز اصلی سرزمینمان را «انسان» می‌داند که اگر «آن را داشت، همه چیز دارد و اگر نداشت، به جایی نخواهد رسید». در نتیجه طرف حساب او تک تک شهروندان ایرانی هستند که دل در گرو فرهنگ دارند. از دید ندوشن، صنعت جدید و زندگی نو زهری دارد و یاد زهری؛ اما «بخش بزرگی از مردم دنیا این زهر را چشیده اند بی آنکه هنوز یاد زهری در دستان باشد».

این ما همه برای ایران، «کشور خاصی با سرنوشته خاص»، تا حدی شگفت‌آور است؛ کشوری با سنت های ریشه دار که بار دوران دراز مشقت بار را به دوش دارد، بر سر راه شرق و غرب دنیا قرار داشته و گاه میانجی، توازن بخش و حائل شرق و غرب بوده و «سرنوشتش چنین بوده است که در هر زمان افروزرگ جرقه های خاص در تاریخ جهان باشد». پس مخاطب محمدعلی اسلامی ندوشن، مردمان فرهنگ دوست چنین سرزمینی هستند. یادش گرامی باد.



است، به نحوی که از انجام تا سرانجام کتاب، گره‌ها و فکرهایی که پشت سرم اضافه می‌شوند، بقیه مخاطب رازنهائی کنند. او همچنین معتقد است که «ما از رسوب تاریخ سر برآورده ایم» و در این مسیر، تندبادها ما را به جلورانده اند و بخش عمده استعداد و تلاش ما در این راه به کار افتاده است. در نتیجه «ما ملت موزاییک هستیم، یعنی از ذره ذره های حوادث ماهیت یافته ایم [...] و در سرزمینی زندگی کرده ایم که به قول حافظ رباط دودر بوده است».

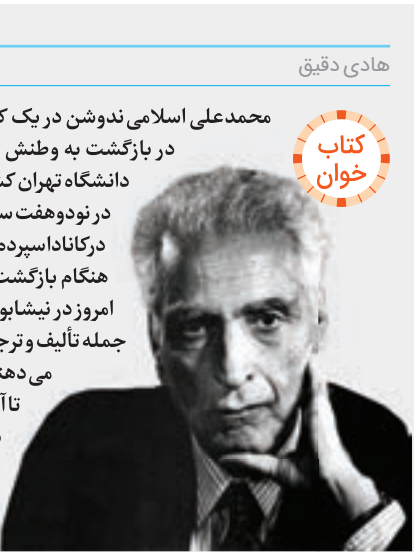
ندوشن در «سخن ها را بشنویم»، ریشه های تاریخی نبود آموزش و اختلال فرهنگ را بررسی می‌کند، به پیشینه بی‌انگیزگی ها و نبود نظم و سامان در تاریخ ایران می‌پردازد و در جان کلامش از «کشور عجیبی که ایران نام دارد» می‌گوید. دغدغه او فرهنگی است که «هم ما را با دنیای خارج ربط می‌دهد و هم از ما در برابر آن دفاع می‌کند». این فرهنگ را انسان ها می‌سازند،

● طرف حساب «سخن ها را بشنویم» کیست؟

روی صحبت ندوشن و مخاطبش افرادی هستند که در ایران زندگی می‌کنند، فارسی حرف می‌زنند. کتاب می‌خوانند و بر جامعه ایرانی تأثیر

را نخواسته است نشان دهد؛ وقتی موانع زدوده شد،

راه و برنامه روشن است.» واقعیت هایی که پیش و پس از او هم بسیار گفته اند، اما چون گوش شنوایی نبوده است، پیوسته باید گفته شود. ندوشن در این کتابش مهم ترین منبع تنبّه، تعلّم و تفرّج را تاریخ کشورمان می‌داند، «دنیایی چند لایه که هر چه بیشتر در آن باریک شویم، به ابهت آن بیشتری می‌بریم.» او در عین حال، افتخار چشم بسته به چنین تاریخی را هم نمی‌پسندد، بلکه لایه لای صفحه همه آن را می‌جوید تا به فرهنگ ایران دست یابد. اسلامی ندوشن همه این ها را به شکلی چیره دستانه در کتابش به هم پیوند زده



هادی دقیق

کتاب خوان

محمدعلی اسلامی ندوشن در یک کلام ادیب و پژوهشگر بود. در فرانسه حقوق خوانده و در بازگشت به وطنش قاضی شده بود، اما یک آشنایی و یک اتفاق، او را به دانشگاه تهران کشاند. او متولد یزد بود و سرانجام در اردیبهشت پارسال در نود و هفت سالگی از دنیا رفت و پیکرش به صورت امانی به آرامگاهی در کانادا سپرده شد. محمدعلی اسلامی ندوشن، همان که روی تابوتش هنگام بازگشت به وطن، نوشته بودند «فرزند ایران»، دوباره تشییع و امروز در نیشابور به خاک سپرده شد. از اسلامی ندوشن آثار فراوانی از جمله تألیف و ترجمه و یادداشت و مقاله مانده است که همه آن ها گواهی می‌دهند دغدغه فرهنگ سرزمینش، تاریخ ایران و زبان فارسی تا آخرین لحظه های غروب عمرش با او بوده است. به این بهانه به کتاب خواندنی اش، «سخن ها را بشنویم»، سر زدیم. او این کتاب را سال ۱۳۶۸ نوشته که البته پس از چاپ، تاکنون بارها تجدید چاپ شده است.

● حرف حساب «سخن‌ها را بشنویم» چیست؟

محمد علی اسلامی ندوشن در این کتاب بل های فراوانی میان رشته های گوناگون زده است؛ رشته هایی که سر هر کدامشان به فرهنگ ایران گره می‌خورد. جایی از ادبیات فارسی به تاریخ ایران می‌رسد و جایی دیگر جمله هایش را از لایه لای گزاره های جامعه شناسی به سیاست پیوند می‌زند. در کل در هر جایی از این کتاب، ندوشن فرهنگ آموز را می‌بینیم که دغدغه ای به جز اعتلای سرزمینش ندارد. خودش می‌گوید: «این کتاب فقط به بیان بعضی واقعیات پرداخته، راه و برنامه ای